گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۶۲۴۴
شنبه ۹ آبان ۱۴۰۵ ۱۰:۳۹

از توقف نفت ایران تا چرخش به سمت روسیه

چین در محاصره بحران انرژی

اختلال در عرضه نفت خاورمیانه و توقف جریان نفت ایران به چین، آسیب‌پذیری امنیت انرژی دومین اقتصاد بزرگ جهان را بیش از گذشته آشکار کرده است. پکن در واکنش به این شرایط، ضمن اتکا به ذخایر راهبردی و افزایش همکاری‌های نفتی با روسیه، شرکت‌های بزرگ انرژی خود را به توسعه اکتشاف و افزایش تولید داخلی نفت و گاز فراخوانده است؛ اقدامی که نشان می‌دهد جنگ ایران، سیاست انرژی چین را وارد مرحله تازه‌ای کرده است.<;br&#۴۷>

پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت: تشدید تنش‌ها و اختلال در جریان انتقال نفت از خاورمیانه، چین را با چالش تازه‌ای در حوزه امنیت انرژی مواجه کرده است. کشوری که سال‌ها با خرید نفت ارزان‌قیمت و انباشت ذخایر راهبردی، تلاش کرده بود وابستگی خود به واردات را مدیریت کند، اکنون ناچار است برای حفظ ثبات عرضه، بیش از گذشته بر ظرفیت‌های داخلی و منابع جایگزین تمرکز کند.

بر اساس گزارشی که اویل‌پرایس منتشر کرده، اداره ملی انرژی چین از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفت و گاز این کشور خواسته است فعالیت‌های اکتشافی و حفاری را افزایش دهند، سرمایه‌گذاری در تولید داخلی را گسترش دهند و توسعه پایگاه‌های راهبردی تأمین انرژی را سرعت ببخشند. این درخواست شرکت‌هایی مانند پتروچاینا، سینوپک و شرکت ملی نفت فلات قاره چین (CNOOC) را دربر می‌گیرد.

دستورالعمل مذکور پس از نشست ۲۱ اکتبر صادر شده و بر افزایش مستمر تولید نفت خام و رشد سریع‌تر تولید گاز طبیعی تأکید دارد. اگرچه تقویت تولید داخلی سال‌هاست در دستور کار سیاست‌گذاران چینی قرار دارد، اما هشت ماه اختلال در انتقال نفت از خاورمیانه، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و کاهش دسترسی به نفت ایران، ضرورت اجرای سریع‌تر این سیاست را برجسته کرده است.

ذخایر راهبردی؛ سپر دفاعی چین در برابر بحران نفت

چین تاکنون در مقایسه با بسیاری از واردکنندگان بزرگ نفت، عملکرد بهتری در مدیریت پیامدهای جنگ ایران داشته است. مهم‌ترین عامل این وضعیت، سیاست بلندمدت پکن در خرید نفت طی دوره‌های کاهش قیمت و ذخیره‌سازی گسترده آن بوده است؛ راهبردی که در سال ۲۰۲۶ توانسته بخشی از فشار ناشی از اختلال عرضه را مهار کند. برآوردها نشان می‌دهد

هم‌زمان با آغاز جنگ ایران در فوریه، چین بین ۱.۳ تا ۱.۴ میلیارد بشکه نفت خام در ذخایر تجاری و راهبردی خود نگهداری می‌کرد. برخورداری از این حجم ذخیره به پالایشگاه‌های چینی اجازه داد در شرایطی که قیمت نفت برنت از ۱۰۰ دلار در هر بشکه عبور کرده بود، خرید از بازارهای جهانی را به میزان قابل‌توجهی کاهش دهند.

در واقع، پکن به‌جای رقابت برای خرید محموله‌هایی که روزبه‌روز گران‌تر می‌شدند، بخشی از نیاز خود را از طریق نفتی تأمین کرد که پیش‌تر و با قیمت‌های پایین‌تر خریداری کرده بود. این سیاست در کاهش فشار تقاضا بر بازار جهانی نیز مؤثر بود. تنها در ماه ژوئن، واردات نفت خام چین در مقایسه با میانگین سال ۲۰۲۵ حدود ۴.۴ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. چنین امکانی برای بسیاری از واردکنندگان بزرگ نفت که از ذخایر گسترده مشابه برخوردار نبودند، وجود نداشت.

با این حال، ذخایر راهبردی نیز ظرفیت نامحدودی ندارند. پالایشگاه‌های چین در ماه سپتامبر روزانه حدود ۱۳.۹۹ میلیون بشکه نفت خام فرآوری کردند. از این میزان، روزانه ۴.۴۳ میلیون بشکه از محل تولید داخلی و ۹.۰۳ میلیون بشکه از طریق واردات تأمین شد.

به این ترتیب، میان میزان نفت مورد نیاز پالایشگاه‌ها و مجموع تولید و واردات، روزانه حدود ۵۳۰ هزار بشکه فاصله وجود داشت که به برآورد تحلیلگران، از محل برداشت از ذخایر جبران شد. سپتامبر چهارمین ماه از پنج ماه اخیر بود که چین در آن از ذخایر نفتی خود استفاده کرد. البته این روند به معنای نزدیک شدن فوری چین به پایان ذخایر نفتی نیست.

میزان ذخایر نفت خام خشکی این کشور در هفته منتهی به ۱۹ اکتبر حدود ۱.۱۹۲ میلیارد بشکه برآورد شده است. این رقم در مقایسه با رکورد ثبت‌شده در اوایل ماه مه، ۱۶۲ میلیون بشکه کاهش دارد، اما تنها ۱۳ میلیون بشکه پایین‌تر از سطح ثبت‌شده در دوره مشابه سال گذشته است. بنابراین، چین با وجود برداشت از ذخایر، همچنان بخش مهمی از حاشیه اطمینان انرژی خود را حفظ کرده است.

توقف عرضه نفت ایران؛ چرخش چین به سمت نفت روسیه

یکی از مهم‌ترین تحولات بازار انرژی برای پکن، کاهش شدید دسترسی به نفت خام ایران است. نفت ایران طی سال‌های گذشته به‌عنوان یکی از منابع ارزان‌قیمت تأمین خوراک پالایشگاه‌های مستقل چین، نقش مهمی در کاهش هزینه‌های پالایش و حفظ حاشیه سود این واحدها داشته است. با وجود تحریم‌های آمریکا، صادرات نفت ایران از طریق نفتکش‌های ناوگان سایه و ذخایر شناور همچنان ادامه داشت و بخشی از محموله‌ها به خریداران چینی می‌رسید. اما محاصره دریایی و محدودیت‌های جدید، این سازوکار را با اختلال جدی مواجه کرده است. بر اساس برآورد شرکت کپلر (Kpler)، حجم

نفت خام ایران در ذخایر شناوری که قابلیت تحویل به چین داشت، تا پنجم اکتبر به کمتر از یک میلیون بشکه رسید و پس از آن عملاً به پایان رسید.

از دست رفتن این منبع، پالایشگاه‌های چینی را با ضرورت جایگزینی نفت ارزان‌قیمت ایران مواجه می‌کند. تأمین نفت از خاورمیانه، آفریقا و سایر مناطق می‌تواند بخشی از این کمبود را جبران کند، اما افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی و قیمت محموله‌ها، هزینه تأمین خوراک پالایشگاه‌ها را بالا خواهد برد. در چنین شرایطی، روسیه به یکی از گزینه‌های مهم پکن برای متنوع‌سازی منابع وارداتی تبدیل شده است.

چین و روسیه در ۲۱ اکتبر توافق کردند از شرکت‌هایی که به دنبال توسعه همکاری‌های نفتی هستند، حمایت کنند. اگرچه در این توافق تعهد مشخصی برای افزایش حجم صادرات نفت روسیه به چین ارائه نشده است، اما انتشار این خبر از سوی رسانه‌های دولتی چین نشان‌دهنده اهمیت همکاری انرژی دو کشور در شرایط کنونی است.

روسیه هم‌اکنون از طریق خطوط لوله و حمل‌ونقل دریایی به چین نفت صادر می‌کند. نفت این کشور که در برخی موارد با تخفیف عرضه می‌شود، می‌تواند جایگزینی برای محموله‌های گران‌تر سایر تولیدکنندگان باشد. با این حال، افزایش همکاری نفتی پکن و مسکو لزوماً به معنای افزایش عرضه جهانی نیست. روند کاهشی تولید نفت روسیه و محدودیت ظرفیت خطوط انتقال، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تأمین مالی و دسترسی به محموله‌های قابل صادرات، از جمله موانعی هستند که می‌توانند توسعه صادرات این کشور به چین را محدود کنند.

چرا افزایش تولید داخلی نفت برای چین دشوار است؟

کاهش دسترسی به نفت وارداتی، بار دیگر سیاست‌گذاران چینی را به سمت افزایش تولید داخلی سوق داده است. چین در سال ۲۰۲۵ حدود ۲۱۶ میلیون تن نفت خام تولید کرد که رکورد جدیدی محسوب می‌شود. تولید گاز طبیعی این کشور نیز از ۲۶۰ میلیارد مترمکعب فراتر رفت. تولید گاز چین طی ۹ سال متوالی، هر سال بیش از ۱۰ میلیارد مترمکعب افزایش یافته است؛ با این حال، رشد تولید داخلی هنوز نتوانسته وابستگی این کشور به منابع خارجی انرژی را برطرف کند.

برای درک این وابستگی کافی است به آمار سپتامبر توجه شود؛ در این ماه، واردات نفت خام چین بیش از دو برابر تولید داخلی آن بود. بنابراین، حتی با وجود رکوردشکنی تولید، بازار انرژی این کشور همچنان به جریان پایدار واردات وابسته است.

از سوی دیگر، افزایش بیشتر تولید نفت داخلی با موانع فنی و اقتصادی همراه است. راهبرد جدید پکن بر توسعه اکتشاف در آب‌های عمیق، سازندهای زمین‌شناختی بسیار عمیق، منابع نامتعارف و افزایش ضریب بازیافت از میادین قدیمی و بالغ متمرکز شده است. توسعه این منابع به فناوری پیشرفته، تجهیزات تخصصی، سرمایه‌گذاری سنگین و دوره‌های طولانی اکتشاف و بهره‌برداری نیاز دارد. هم‌زمان، افت طبیعی تولید میادین قدیمی نیز فشار مضاعفی بر شرکت‌های نفتی وارد می‌کند.

در چنین شرایطی، شرکت‌های دولتی چین ممکن است با حمایت مالی و سیاسی دولت، پروژه‌هایی را دنبال کنند که در شرایط عادی و در رقابت با نفت وارداتی ارزان‌قیمت، توجیه اقتصادی چندانی ندارند. اما محاسبات در زمان بحران تغییر می‌کند. زمانی که واردات نفت با محدودیت مواجه شود یا قیمت جهانی از ۱۰۰ دلار در هر بشکه فراتر برود، تولید داخلی حتی با هزینه بالاتر نیز می‌تواند از منظر امنیت انرژی و کاهش وابستگی راهبردی، گزینه‌ای مقرون‌به‌صرفه باشد.

امنیت گاز چین نیز زیر سایه اختلال عرضه قرار گرفت

تمرکز پکن بر افزایش تولید داخلی تنها به نفت خام محدود نمی‌شود. اختلال در عرضه محموله‌های گاز طبیعی مایع (LNG) از خلیج فارس نشان داده است که آسیب‌پذیری انرژی چین، بخش گاز را نیز دربر می‌گیرد. افزایش تولید داخلی گاز می‌تواند وابستگی این کشور به واردات LNG، نوسانات شدید قیمت در بازارهای جهانی و اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل دریایی را کاهش دهد. این موضوع با توجه به رشد مصرف صنعتی و افزایش تقاضای برق در چین اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

هرگونه اختلال در واردات گاز می‌تواند علاوه بر افزایش هزینه تأمین انرژی، بر فعالیت صنایع و ثبات عرضه برق نیز تأثیر بگذارد. از همین رو، توسعه پایگاه‌های راهبردی تأمین انرژی که اداره ملی انرژی چین بر آن تأکید کرده، تنها به افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی محدود نیست و توسعه زیرساخت‌های تولید داخلی را نیز دنبال می‌کند. ذخایر نفت خام می‌توانند در کوتاه‌مدت کمبود عرضه را جبران کنند، اما افزایش تولید پایدار به توسعه میادین، زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های فنی نیاز دارد؛ فرآیندی که نمی‌تواند بلافاصله به افزایش عرضه منجر شود.

آینده واردات نفت چین؛ کاهش خرید یا بازگشت به بازار؟

با وجود تلاش‌های پکن برای افزایش تولید داخلی و متنوع‌سازی منابع وارداتی، چین در کوتاه‌مدت همچنان به نفت خام خارجی نیاز خواهد داشت. از این رو، میزان خرید این کشور از بازارهای جهانی همچنان به قیمت‌ها، وضعیت عرضه و سطح ذخایر وابسته خواهد بود. انتظار می‌رود واردات نفت خام چین در ماه اکتبر بار دیگر از ۱۰ میلیون بشکه در روز فراتر رود. یکی از عوامل این افزایش، خرید محموله‌هایی است که در ماه اوت و هم‌زمان با کاهش موقت قیمت نفت برنت به کمتر از ۸۰ دلار در هر بشکه انجام شد.

با این حال، افزایش مجدد قیمت‌ها باعث شده است مؤسسات FGE NexantECA و Energy Aspects پیش‌بینی خود از میزان واردات نفت چین در سه‌ماهه چهارم سال را به حدود ۹.۲ تا ۹.۳ میلیون بشکه در روز کاهش دهند. به نظر می‌رسد پکن همچنان از یک راهبرد ترکیبی برای مدیریت بازار انرژی استفاده کند؛ برداشت از ذخایر در دوره‌های افزایش قیمت، خرید بیشتر در زمان افت قیمت‌ها، توسعه تولید داخلی و جایگزینی منابع وارداتی از

جمله ابزارهای این راهبرد هستند.

این سیاست‌ها می‌توانند میزان آسیب‌پذیری چین در برابر شوک‌های عرضه را کاهش دهند، اما به معنای پایان وابستگی این کشور به واردات نفت خام نیستند. در مجموع، جنگ ایران بار دیگر نشان داده است که حتی برخورداری از ذخایر عظیم نفتی نیز نمی‌تواند جایگزین دائمی دسترسی به منابع پایدار انرژی شود. تلاش تازه پکن برای افزایش تولید داخلی و گسترش همکاری با روسیه، بیش از آنکه نشانه تغییر فوری ساختار واردات نفت چین باشد،

بیانگر بازنگری راهبردی این کشور در تعریف امنیت انرژی است. از سوی دیگر، توانایی چین برای کاهش خرید در دوره‌های افزایش قیمت، می‌تواند بر توازن عرضه و تقاضای بازار جهانی نفت اثرگذار باشد. در بازاری که با محدودیت عرضه و افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیک مواجه است، تغییر رفتار بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان می‌تواند به یکی از عوامل تعیین‌کننده روند قیمت‌ها تبدیل شود.